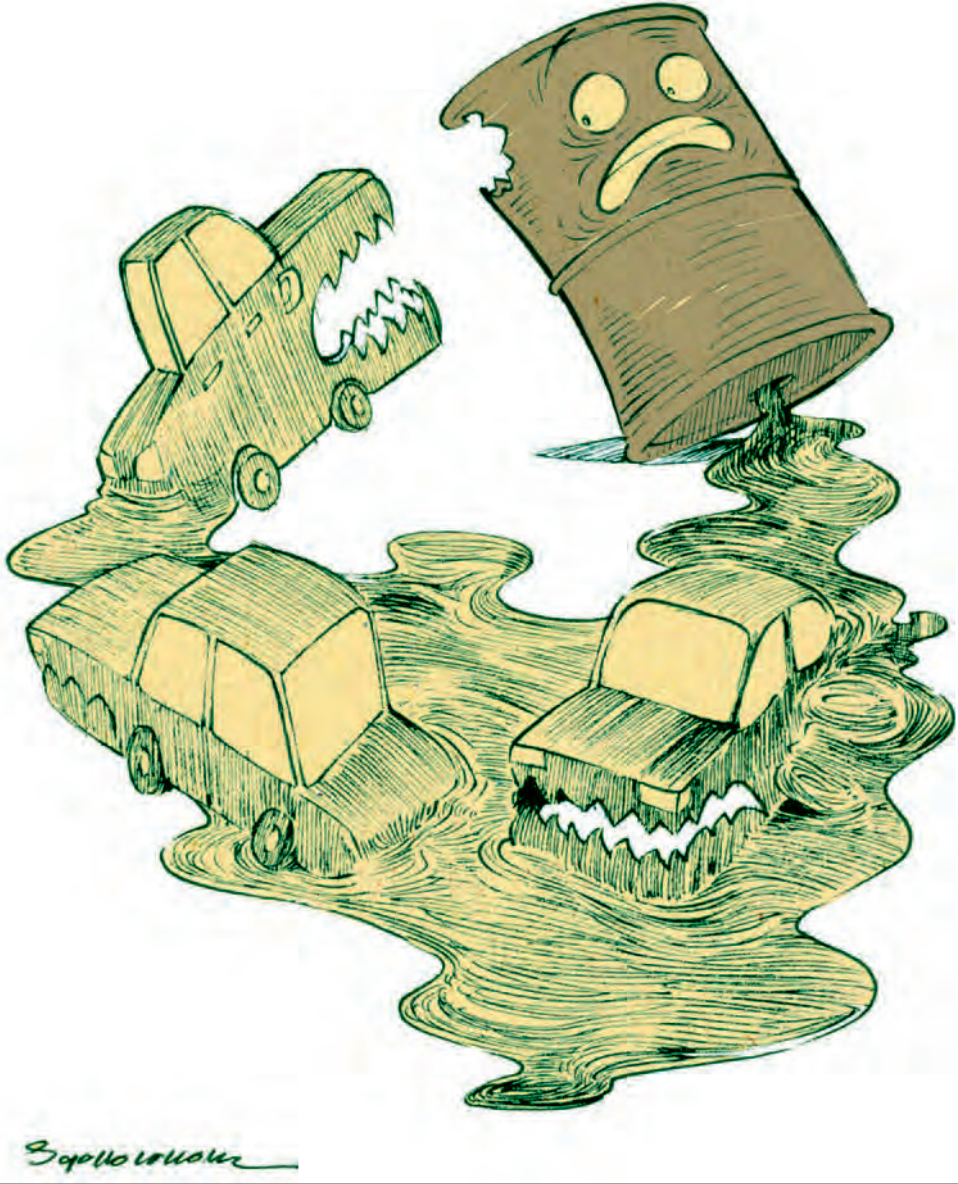


کار تون شهر

اسلمان طاهری | کار نویسند | salmantaheri@gmail.com



مدیر عامل شرکت بهینه‌سازی انرژی: به دلیل مصرف سوخت بالا، تولید خودرو در داخل به صرفه نیست



شهر ونگ

گمشده‌ها

سندورزی در روز اسناد ملی

شهرام شهیدی

طنز نویس | shahraam_shahidi@yahoo.com

هفدهم اردیبهشت روز اسناد ملی است. به همین منظور از خبرنگار واحد گمشده‌ها خواستیم دور شهر چرخ بزنند و نظر دیگران را در این خصوص جویا شود ببینند مردم و مسئولان چقدر به اهمیت داشتن سند واقف هستند:

پارک ملت - منم - خانه‌دار: راستش سند خیلی چیز مهمی است. همین چند روز پیش یکی از دوستان خیلی خیلی صمیمی ام بهم گفت حواست به این شوهرت باشه. من همون شیونه می خواستم پوستش را غلفتی بکنم اما فریبا - اون یکی دوستم - کمی اروم کرد و گفت باید سند و مدرک داشته باشی. راستم میگه. شاید دوستای دیگه ما به زندگی ما حسودی می کنن. سازمان اسناد به من بابت این موضوع سند می‌دهد؟

اسفند یار - خیابان بهار: همون طور که برخی بزرگان فرمودند سند و مدرک کاغذ پاره‌ای بیش نیست و به پیشیزی نمی‌ارزه. من اگر جای مسئولان بودم روز اسناد ملی را از تقویم بکپو و به‌طور کامل حذف می‌کردم و جای آن یک روز را روز ملی ریختن آب بر مواضع سوزان اعلام می‌کردم. خیلی هم برنامه مفرحی می‌شد. ملت ما به شهادی نیاز دارد برای همین بابا بهار برمی‌گردیم.

مازیار - خیابان چوین: به علت دوپس دوپس ناشی از دستگاه پخش نامیزان، خودروی بنده زاده توقیف شده. این حالا هیچی خود بنده زاده هدایت شده به بارداشتگاه. الان از من سند می‌خواهند برای ضمانت. من سند همه زندگی ام را زده‌ام به نام بقیه که یارانه‌مان قطع نشود. حالا سندم کجا بود برای آزادی این ورزیده ضمانت بگذارم؟ این بود تدبیر و امید؟

حرف روز

کیک اسفنجی شکلاتی

همدیگر در حیاط دانشگاه و پیاده آمدنمان تا میدان و حرف زدن از این در و آن در... کافی بود تا شنیدن این که او هم تا چندی دیگر می‌رود، سوراخی به اندازه یک عسد در قلم ایجاد کند. سوراخی به اندازه یک عسد در قلبی به اندازه یک مشت معمولی در ناگاست. نه؟

حرفه بعدی با «م» شکل گرفت. به گمانم این حرفه در حد و اندازه‌های چاه ویل است. به همان سوزانی و به همان عمیقی بعضی مواقع گدازدهایش در گه‌های جاری می‌شود و درد نبودنش، قلم را در وضع بدتری قرار می‌دهد. «م» رفیق لحظاتی تنهایی و شادی ما بود. هنوز هم هست اما فاصله‌ها، مقولاتی لعنتی‌ای هستند که عقلم می‌پذیرد و دم چیزی از نشان سر در نمی‌آورد.

گودال‌های دیگری هم دارم که «ک»، «گ»، «و»... ایجاد کردند. تماشای گرفتن پیغام دادند، تکس گذاشتند که هو ما داریم می‌رویم. می‌روند و من بعد از مدتی از پشت مانیتور و گوشی ارتقاء تحصیلی، شغلی، ازدواج و تولد فرزندان را تبریک می‌گویم و کیک شکلاتی و جودم را حرفه‌دارتر می‌کنم. باشد که کسی با جاقوی تیز، برشش زنند.

کمی داشتیم اما همین اندک‌ها علقه‌ای ایجاد می‌کند دیگر. همین که کسی حاضر باشد راهش را کج کند و به خاطر شیرینی کرم‌های همراه تا آن سر خیابان بیاید... کافی است تا خبر رفتنش، لیخندت را به یک خط صاف تبدیل کند. «الف» رفت، رفت بدون این که من در شادی رفتنش شریک شوم و بدون این که بتوانم دستی برایش تکان دهم چون پیش از دستم، قلم‌تکهای از خودش را همراهش کرد.

حرفه سوم را «س» درست کرد. اصلاً انتظارش را نداشتم. نه انتظار رفتنش را و نه انتظار برخورد قلم را. با «س» حتی در حد شیرینی کرم‌های هم اتفاق نداشتیم. برای من شلوغ پر حرف، او یک تابلوی ساکت و بی‌صدا بود. تابلوی ساکت و بی‌صدا را ندیدم تا وقتی که بسته‌بندی شده، عازم سفر بود. تازه جای خالی‌اش روی دیوار مشخص شد و فهمیدم که تابلوی ساکت هم به دیوار دلم بند بوده است.

راه از تباطلی من و «پ» هیچ بود، چون ارتباطی نداشتم. چون اصلاً شماره‌ای از هم نداشتم. چون او دوست دوست دوستم محسوب می‌شد که من دل خوشی از دوست دوستم نداشتم. پس دلیلی نداشتم که بخوام با دوست دوست دوستم ارتباطی داشته باشم اما گروه وایبری و بعد دیدن

مریم حسینی‌نیا



قلیم شبیه کیک اسفنجی شده است. کیک اسفنجی شکلاتی، شکلاتی بودنش به خاطر خون قلیم است. اسفنجی بودنش هم به خاطر پوک بودنش. آشپزها و شیرینی خورهای حرف‌های می‌دانند که پوک بودن یعنی وجود حفرهای وسطی و من قلیم دقیقاً شبیه همین کیک‌های اسفنجی پر از حفره است.

حفره اول با رفتن «ز» شکل گرفت. تا پیش از آن دل کندن و خداحافظی‌ای تا این حد جدی نداشتم. خداحافظی‌ها نهایتاً دو سه روز عمر می‌کردند اما این مورد فرق داشت. «ز» مشغول کارهایش بود و عمر خدنگ‌ها را طولانی تر شده بود تا این که روزی رسید که همه جمع شدیم و در شادی «ز» شریک شدیم و بعد خدنگ‌ها را به هم رسانیم و به همین مسخره‌گی «ز» رفت تا نادیده‌اش را در دنیایی جدید بسازد و من ماندم. قلبی که بخشی‌اش با «ز» مهاجرت کرد.

حفره دوم با رفتن «الف» ایجاد شد. اشتراکات

داستانه

نقطه ضعف، نقطه قوت

کودکی ۱۰ ساله که دست چپ خود را در یک حادثه رانندگی از دست داده بود برای تعلیم فتون رزمی جودو به یک استاد سپرده شد. پدر کودک اصرار داشت استاد از فرزندش یک قهرمان جودو بسازد. استاد جودو خواست پدر را پذیرفت و به او قول داد یک سال بعد می‌تواند فرزندش را در مقام قهرمانی کل باشگاه‌های رزمی کشور ببیند. در طول ۶ ماه اول استاد فقط روی بالا بردن توان بدنی کودک کار کرد و در عرض این ۶ ماه حتی یک فن جودو را به او تعلیم نداد. بعد از ۶ ماه در حالی که تنها یک ماه به آغاز مسابقات محلی باقی مانده بود استاد فقط یک فن به کودک ۱۰ ساله آموزش داد و تا زمان برگزاری مسابقات فقط روی آن تک کار کرد. سرانجام مسابقات آغاز شد و کودک توانست در میان اعجاب همگان با آن تک فن همه حریفان خود را شکست

فو کوس ...



۱۰۴ سال پیش، برابر با یازدهم اردیبهشت ۱۲۹۰ خورشیدی، غلامحسین بنان، خواننده، عضو شورای موسیقی رادیو، استاد آواز هنرستان موسیقی تهران و بنیان‌گذار انجمن موسیقی ایران، در تهران به دنیا آمد. پدرش کریم‌خان بنان‌الدوله نوری و مادرش دختر شاهزاده رکن‌الدوله (پدر ناصرالدین شاه) بود. آواز سالگی به خوانندگی و نوازندگی ارک و پیانو پرداخت و در این راه از راه‌های مهمی مادرش که پیانو را بسیار خوب می‌نواخت بهره گرفت. از سال ۱۳۱۱ صدای غلامحسین بنان، همراه با همکاری عده‌ای از هنرمندان دیگر از رادیو تهران به گوش مردم ایران رسید. روح‌الله خالقی او را در رکنتر انجمن موسیقی شرکت داد و با «هل‌های رنگارنگ» از بدو شروع به دعوت استاد داد و پدیدار همکاری داشت. از ماندگارترین ترانه‌های بنان می‌توان به: آمدی جانم به فریاد تو، ای حال، الهه‌تان، بهار دل‌نشین، روی جوی مولیان، تصنیف توشه، یارِ میمه، می‌باب، خاموش، مرا عاشق شیدا، من از روز اول، نوای بی‌سرود همیشه جاودای ایران اشاره کرد. غلامحسین بنان ساعت ۹:۴۵ غروب ۸ اسفندماه ۱۳۶۴، در بیمارستان امام‌نهر تهران در گذشت و در امامزاده‌ها کرج به خاک سپرده شد.

آب و هوا	اراک	اردبیل	ارومیه	اصفهان	اهواز	ایلام	بخارود	بندرعباس
۲۷ ۱۰	۸ ۱۰	۱۵ ۹	۲۵ ۱۲	۳۶ ۲۵	۲۲ ۱۳	۲۳ ۱۵	۲۳ ۱۰	۲۳ ۱۰
بو شهر	بیرجند	تبریز	تهران	خرم‌آباد	زاهدان	زنجان	سندج	سمنان
۳۰ ۲۱	۱۹ ۹	۱۹ ۸	۲۹ ۱۹	۱۹ ۱۲	۲۶ ۱۵	۱۸ ۱۱	۲۱ ۱۰	۲۱ ۱۰
شهرکرد	قزوین	کرمانشاه	کرمان	گرگان	رشت	ساری	تبریز	تارک
۹ ۴	۲۵ ۱۱	۲۲ ۱۰	۲۵ ۱۵	۲۶ ۱۱	۲۴ ۱۵	۲۵ ۱۳	۲۵ ۱۵	۲۸ ۱۵
شیراز	سمنان	همدان	قم	مشهد	یاسوج	یزد	ابوموسی	...
۲۸ ۱۷	۲۱ ۱۰	۱۸ ۱۰	۲۸ ۱۱	۲۳ ۱۲	۱۵ ۹	۲۵ ۱۵	۳۱ ۲۱	...

... کاهش محسوس دما

بر اساس اطلاعات دریافتی از نقشه‌های پیش‌یابی، با فعالیت یک سامانه بارشی، از بعد از ظهر امروز و طی روز چهارشنبه، در استان تهران رگبار باران، گاهی همراه با رعد و برق و وزش باد شدید پیش‌بینی می‌شود. این فعل و انفعالات باعث کاهش محسوس دما در استان تهران خواهد شد. شدت وزش باد بیشتر در مناطق جنوبی استان خواهد بود و بارش باران در برخی مناطق به ویژه شهرهای شمالی با احتمال ریزش تگرگ همراه خواهد بود.

کمیته و پیش‌بینی هوای تهران امروز به ۱۷ تا ۲۹ درجه بالای صفر می‌رسد و نقشه‌های هواشناسی نشان می‌دهند، آسمان تهران امروز ابری همراه با بارش باران و احتمال بارش تگرگ در ارتفاعات خواهد بود. کمیته و پیش‌بینی هوای تهران روز چهارشنبه این هفته به ۱۹ تا ۲۹ درجه بالای صفر می‌رسد و آسمان تهران در این روز ابری، در پاره‌ای نقاط رگبار و رعد و برق گاهی همراه با وزش باد پیش‌بینی شده است. مناطق فیروزکوه با ۴ درجه سانتی‌گراد و منطبق و رامین با ۲۵ درجه سانتی‌گراد به ترتیب کمترین و بیشترین دما را طی ۲۴ ساعت گذشته در استان تهران داشته‌اند. بنا بر اعلام معاون نظارت و پایش محیط زیست استان تهران، شاخص کیفیت هوای پایتخت با کاهش میانگین غلظت تمام آلاینده‌ها و در پی وزش باد در شرایط سالم باقی ماند. بر همین اساس میزان غلظت آلاینده ذرات معلق با قطر کمتر از ۲.۵ میکرون، با کاهش ۳۴ عددی در حد مجاز بوده و بر روی عدد ۶۱ قرار گرفت. در شبانه‌روز گذشته اهواز مرکز استان خوزستان با بیشینه دمای ۳۶ درجه سانتی‌گراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه‌دمای ۴ درجه سانتی‌گراد سردترین شهرهای کشور بودند. طی روزهای گذشته اردبیل و چهارمحال و بختیاری، سردترین و هرمزگان و خوزستان، گرم‌ترین استان‌های ایران بودند.

فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی
www.shahrvand-newspaper.ir
صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال
سر دبیر: کسری نوری

نشانی: تهران، فلکه دو صد فیه
ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۹۷
کد پستی: ۱۴۸۳۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۴۴۹۵۶۱۰۰-۷
چاپ: روزتاب
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز شرق
تلفن امور شهرستان‌ها: ۴۴۹۵۶۱۰۰-۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
اوقات شرعی:
| اذان صبح: ۰۴:۳۳ | اذان: ۰۸:۲۶ |
| اذان ظهر: ۱۳:۰۷ | غروب آفتاب: ۱۹:۵۳ |
| اذان مغرب: ۲۰:۱۸ |

این شرح بی‌نهایت...
برای دین انسان، چیزی نبود کننده‌تر از چیزی آمدن شک بر یقین نیست. امام علی

شب زنده‌داری‌های من
کجایی در شب هجران که زاری‌های من بینی
چو شمع از چشم گریان اشکباری‌های من بینی
کجایی ای که خندتم ز وصلت دوش می‌دید
که امشب گرهای زار و زاری‌های من بینی
کجایی ای قدح‌ها از کف اغیار نوشیده
که از جام غمت خونه‌های خوری‌های من بینی
شبی چند از خدا خواهم به خلوت تا سحرگاهان
نشینی یا من و شب زنده‌داری‌های من بینی
شدم یار تو و از تو ندیدم یاری و خواهم
که یار من شوی ای یار و یاری‌های من بینی
برای امتحان تاسی توانی یار درد و غم
بند بر دوش من تا بر داری‌های من بینی
برای یادگار خویش شعری چند از حافظ
نوشتیم تا پس از من یادگاری‌های من بینی
هانف اسفندی

- تقویم تاریخ
- رخداد
- بر تخت نشستن قوبلای خان، نوه چنگیز و برادر هولاکو (۱۲۶۰ میلادی)
 - تشکیل مجلس طبقات سه‌گانه فرانسه (مجمع‌ملی) شامل طبقه یکم، نمایندگان روحانیون، طبقه دوم، نمایندگان اشراف و طبقه سوم، نمایندگان بورژواها (۱۷۸۹ میلادی)
 - سقوط شدید پهای سهام در بورس نیویورک و آغاز رکود اقتصادی ۷ ساله در ایالات متحده (۱۸۹۳ میلادی)
 - اشغال آدیس آبابا پایتخت اتیوپی از سوی ارتش ایتالیا و فرار هایل هالیه سلاسی امپراتور این کشور (۱۹۳۶ میلادی)
 - کشف ساختار DNA و تشخیص دقیق وراثت، نژاد و مسیر مهاجرت‌ها توسط دکتر جیمز واتسون و دکتر فرانسیس کریک (۱۹۵۳ میلادی)
 - مسافرت اولین آمریکایی به نام آلن بار تلت شپرد به فضا (۱۹۶۱ میلادی)
 - برگزاری تظاهرات وسیع ضد جنگ ویتنام در واشنگتن و دستگیری ۷ هزار تن (۱۹۷۱ میلادی)
- طلوع
- آلفرد کبیر - امپراتور بریتانیا، معروف به نجیب‌ترین پادشاه انگلستان (۱۸۴۸ میلادی)
 - سورن کی‌یر گور - فیلسوف مسیحی دانمارکی و پدر آگزیستانسیالیسم (۱۸۱۳ میلادی)
 - کارل مارکس - متفکر انقلابی، فیلسوف، جامعه‌شناس، تاریخ‌دان و اقتصاددان آلمانی (۱۸۱۸ میلادی)
 - هنریک سینکیه‌ویچ - روزنامه‌نگار و رمان‌نویس لهستانی برنده جایزه ادبی نوبل (۱۸۴۶ میلادی)
- غروب
- بهرام چوبین - ژنرال ایرانی، از افسران برجسته ارتش ساسانی و نایب‌نظامی جهان باستان (۹۲۵ میلادی)
 - لئوپولد یکم - امپراتور مقدس روم و پادشاه مجارستان (۱۷۰۵ میلادی)
 - ناپلئون بناپارت - نخستین امپراتور فرانسه، پس از نپال تبعید در جزیره سنت هلن (۱۸۲۲ میلادی)
 - یاسوناری کاواتا - نویسنده ژاپنی و برنده جایزه نوبل ادبیات، به سه طریق خودکشی با گاز (۱۹۷۲ میلادی)
 - بابی ساندز - مبارز انقلابی و عضو ارتش آزادی‌خواه ایرلند (۱۹۸۱ میلادی)